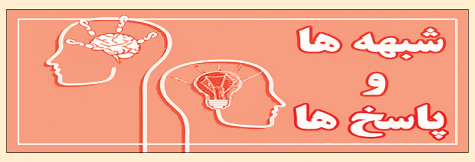

پیروزی مسلمانان حتمی است اما بشرطها و شروطها

شبهه: در آیات ۲۲ و ۲۳ سوره فتح آمده که اگر کافران با مسلمانان وارد جنگ شوند فرار می‌کنند و شکست می‌خورند و این سنت الهی است. این آیه برایم عجیب است چون اگر سنت الهی است پس چرا در جنگ احد مسلمانان شکست خوردند؟ آیا هیچ جنگی نیست که مسلمانان شکست بخورند و طبق سنت الهی در همه جنگ‌ها پیروز می‌شوند؟ این سنت برای آن زمان بوده یا برای همه زمان‌هاست؟ یعنی امروز هر جنگی بین مسلمانان و کافران واقع شود کافران شکست می‌خورند؟! این عجیب نیست؟ چون واقعیت که می‌بینیم چیز دیگری است.

پاسخ: فصل چهارم از آیات سوره فتح، آیات ناظر به ماجرای حدیبیه و مؤمنینی است که با رسول خدا (صلّی‌الله علیه و آله) به حدیبیه رفتند.(۱) مطلب از این قرار است که در سال ششم هجری، جمعیتی از مسلمانان بدون سلاح و تجهیزات لازم و بدون آرایش جنگی، در مقابل کفّار قریش قرار گرفتند و بنا بر این بود که مسلمانان دست به اسلحه نبرند.

> **یک حقیقت مسلّم و قانون لایتخلّف پروردگار در عالم آفرینش است که اگر برای خدا پا در میدان گذاشتید و ایستادگی کردید، پیروزی قطعی است؛ و این فقط مربوط به ماجرای جنگ‌های صدر اسلام نیست بلکه، سنّت الله است که در طول تاریخ جریان داشته و دارد.**

در این ماجرا که به‌عنوان صلح حدیبیه یا غزوه حدیبیه معروف است، کفّار قریش با تجهیزات، سلاح، مردان جنگی و با پیش‌بینی‌های لازم، به سراغ مسلمانانی آمدند که با خودشان سلاح برنداشته بودند و فقط به‌قصد مشرّف‌شدن به عمره و زیارت خانه خدا به راه افتاده بودند. اگرچه این رویارویی، منجر به جنگ نشد؛ اما خدای متعال به مسلمانان این‌طور می‌فرماید که حتی اگر سروکار شما با کفّار و مشرکان، به جنگ و شمشیر هم کشیده می‌شد، شما آنها را مغلوب می‌کردید و این را به‌عنوان سنت الهی مطرح می‌کند.(۲)

سنت همیشگی الهی

قرآن کریم در آیات ۲۲ و ۲۳ این سوره مبارکه هم‌چنان ابعاد دیگری از ماجرای عظیم حدیبیه را بازگو می‌کند. در این آیات به یکی از سنت‌ها و قوانین همیشگی الهی اشاره شده است که اگر مؤمنان در امر جهاد ضعف و سستی نشان ندهند و با قلبی پاک و نیتی خالص به مبارزه با دشمنان برخیزند، خدا آنها را پیروز می‌کند.(۳)

این حقیقت برحسب اسباب ظاهری، دور از ذهن است؛ اما در تصویر الهی یک حقیقت مسلّم و قانون لایتخلّف پروردگار در عالم آفرینش است که اگر برای خدا پا در میدان گذاشتید و ایستادگی کردید، پیروزی قطعی است؛ و این فقط مربوط به ماجرای جنگ‌های صدر اسلام نیست بلکه، سنّت الله است که در طول تاریخ جریان داشته و دارد. بله آن وقتی که ما حرف حساب خودمان را بلد نباشیم، ندانیم، یا وسط راه با وسوسه‌های شیطانی یا وسوسه‌های نفس یا تنبلی‌ها پا سست کنیم، معلوم است که مجاهدت به‌جایی نخواهد رسید؛ بحث بر سر آنجایی است که: «لَیَنْصُرَنَ‌اللهُ مَـنْ یَنْصُرُه»(۴)؛ اگر ما خدا را نصرت و یاری کنیم خدای متعال حتماً و قطعاً نصرت خواهد کرد.(۵)

ممکن است گاهی در این امر به‌منظور امتحان یا اهداف دیگری دیر و زودی باشد؛ اما قطعاً پیروزی نهایی با آنها است؛ اما در مواردی همچون میدان احد که جمعی، از فرمان پیامبر خدا سرپیچی کردند و گروهی نیات خود را آلوده به عشق دنیا کردند و به جمع‌آوری غنائم پرداختند، سرانجام شکست تلخی دامانشان را گرفت و بعداً نیز چنین خواهد بود.(۶)

پی‌نوشت‌ها:

۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، بیروت- لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۱۸، ص ۲۸۳. ۲. حسینی خامنه‌ای، علی، بیانات در مراسم یازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی(ره)، ۱۳۷۹-۳-۱۴، https://farsi.khamenei.ir/newspart-print?id=۳۰۱۰&nt=۲&year=۱۳۷۹&tid=۱۵۰۴ ۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ایران-تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، چاپ سی و دوم، ج ۲۲، ص ۸۸. ۴. حج، آیه ۴۰. ۵. حسینی خامنه‌ای، علی، بیانات در دیدار با مردم قم، ۱۹-۱۰-۱۳۹۱، https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=۲۱۸۹۰&nt=۲&year=۱۳۹۱&tid=۳۱۲۹ ۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ایران-تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، چاپ سی و دوم، ج ۲۲، ص ۸۸.

مجید غلامی

محبت یا لوس کردن فرزند؟

یکی از نکات مهم در تربیت فرزند، به‌ویژه در تربیت دینی، این است که محبت کردن به کودک را با لوس کردن او اشتباه نگیریم.

گاهی والدین تصور می‌کنند اگر به فرزندشان محبت کنند، باید همه خواسته‌های او را برآورده سازند، با محدودیت‌هایش مخالفت نکنند یا از خطاهایش چشم‌پوشی کنند؛ در حالی که محبت واقعی، به معنای تسلیم‌شدن در برابر تمام خواسته‌های کودک نیست.

محبت واقعی یعنی چه؟

محبت به کودک یعنی:

توجه: نیازهای عاطفی و جسمی او را بشناسیم و برایشان اهمیت قائل شویم.

احترام: شخصیت و احساسات کودک را ارزشمند بدانیم و از تحقیر او بپرهیزیم.

شنیدن: به حرف‌ها، پرسش‌ها و نگرانی‌هایش بادقت گوش دهیم.

حمایت: هنگام دشواری‌ها در کنار او باشیم و برای حل مشکلاتش راهنمایی‌اش کنیم.

پذیرش شخصیت کودک: به او نشان دهیم که دوستش داریم و ارزشمندی‌اش وابسته به موفقیت‌ها یا اشتباهاتش نیست؛ هرچند رفتارهای نادرست او نیازمند اصلاحند.

پس محبت به معنای لوس کردن نیست!

محبت کردن به این معنا نیست که:

- همه محدودیت‌ها را حذف کنیم.
- تمام خواسته‌های کودک را برآورده سازیم.
- در برابر گریه، اصرار یا خشم کودک همیشه تسلیم شویم.
- رفتارهای نادرست او را نادیده بگیریم یا اجازه دهیم مسئولیت رفتارهایش را نپذیرد.

کودک برای رشد سالم، علاوه‌بر محبت و امنیت عاطفی، به قانون، مرزهای روشن و فرصت یادگیری مسئولیت‌پذیری نیز نیاز دارد.

تربیت سالم؛ ترکیبی از سه اصل اساسی: محبت + مرز + مسئولیت است.

محبت: کودک احساس کند دوست‌داشتنی و ارزشمند است.

مرز: بداند چه رفتارهایی پذیرفتنی‌اند و چه محدودیت‌هایی باید رعایت شوند.

مسئولیت: به‌تدریج یاد بگیرد پیامد رفتارهای خود را بپذیرد، اشتباهاتش را اصلاح کند و در انجام وظایفش مشارکت داشته باشد.

یک مثال ساده:

فرض کنید کودک اصرار دارد وسیله‌ای را که برای او ضروری نیست، بخرد و با شنیدن پاسخ منفی شروع به گریه می‌کند.

والد می‌تواند با آرامش بگوید: «می‌دانم این وسیله را خیلی دوست داری و ناراحتی که الان نمی‌توانیم آن را بخریم. احساس تو را درک می‌کنم، اما قرار نیست هر چیزی را که می‌خواهیم، همان لحظه تهیه کنیم.» در این موقعیت، والد هم احساس کودک را می‌پذیرد، هم حد و مرز را حفظ می‌کند و هم به او فرصت می‌دهد ناکامی و مدیریت خواسته‌هایش را بیاموزد.

نکته مهم برای مربیان و والدین

محبت سالم، کودک را به والدین وابسته و تسلیم نمی‌کند؛ بلکه به او کمک می‌کند در محیطی امن، استقلال، خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری را بیاموزد. در تربیت دینی نیز هدف این نیست که کودک فقط از ترس تنبیه یا برای جلب رضایت والدین اطاعت کند؛ بلکه باید به‌تدریج قدرت تشخیص، انتخاب آگاهانه و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی را در خود پرورش دهد.

سخن پایانی:

به کودک محبت کنید، اما برای او مرزهای روشن داشته باشید؛ خواسته‌هایش را بشنوید، اما همیشه تسلیم آنها نشوید؛ اشتباهاتش را اصلاح کنید، اما شخصیتش را زیر سؤال نبرید.

محبت بدون مرز ممکن است فرصت یادگیری مسئولیت را کاهش دهد و مرزگذاری بدون محبت می‌تواند به رابطه آسیب بزند. هنر تربیت، ایجاد تعادل میان محبت، قانونمندی و مسئولیت‌پذیری است.

شیوه‌های اصلاح رفتار فرزندان در مکتب اهل بیت(ع)

عبدالکریم پاک نیا

رسول اکرم(ص)

أَکْرِمُوا أَوْلَادَکُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ یُغْفَرْ لَکُم

فرزندان خود را گرامی بدارید و خوب تربیتشان کنید تا گناهان شما آمرزیده شود.

مکارم الأخلاق ص ۲۲۲

از اساسی‌ترین وظایف والدین و مربیان در امر تربیت و تعلیم که از حساس‌ترین و ظریف‌ترین کارهائی است که آنان به عهده گرفته‌اند برخورد شایسته در مواجهه بـا لغزش‌ها و خطاهای کودکان و نوجوانان و اصلاح و تغییر رفتار نادرست آنان است. چرا که اگر این امر به غیر از کانال عقلانیت و شیوه‌های صحیح انجام شود چه بسا که ضربات جبران‌ناپذیری بر روحیات متربی خواهد گذاشت و در نتیجه مربی در امر تربیت ناکام خواهد ماند.

شخصی می‌گفت: من در دوران کودکی در یکی از مساجد مرتکب خطائی کودکانه شدم متولّی مسجد چنان برخورد خشن و ناشایستی با من کرد که بعد از چهل سال هنوز تلخی آن بر ذائقه‌ام سنگینی می‌کند و من به همین خاطر بهترین سال‌های جوانی را به آن مکان مقدس نرفتم. این به‌خاطر همان شیوه نادرست برخورد با خطای کودکان و نوجوانان است.

در مقابل، خاطره‌ای هم از مرحوم حاج آخوند ملاعباس تربتی در همین زمینه بخوانیم: استاد علی قندهاری می‌گوید: من از همان دوران نوجوانی شیفته حاج آخوند شدم. شبی در منزل ایشان مجلسی بود و چراغی بر سر در خانه آویزان کرده بودند. من و چند تن از نوجوانان کم سن‌وسال محله بر سبیل‌بازی و به اقتضای شور و شر نوجوانی مرتباً وارد دالان خانه می‌شدیم و سنگ می‌زدیم و فریاد می‌کشیدیم و در را هم می‌کوبیدیم و اهل خانه را عاصی کرده بودیم. شاید چراغ را هم شکسته بودیم. در یکی از دفعات ناگهان پیرمردی (حاج آخوند) از تاریکی دالان بیرون آمد و دست ما را گرفت و در حالی که علی‌رغم انتظار با مهربانی احوال ما را می‌پرسید به کسانی که در داخل منزل بودند رو کرد و گفت: این فرزندان من خیلی بازی کرده‌اند و خسته شده‌اند حتماً گرسنه هم هستند از آنها پذیرائی کنید که مهمان مایند.(۱)

> **امام صادق(ع) فرمود: بسیاری از خطابات قرآن به عنوان سرزنش پیامبر اکرم(ص) نازل شده است ولی مقصود دیگران بوده‌اند. خداوند متعال به پیامبر(ص) می‌فرماید: اگر پدر یا مادرت نزد تو به پیری رسیدند با آنان درشتی مکن! این در حالی است که رسول خدا(ص) پدر و مادرش را در دوران طفولیت از دست داده بود.**

همچنان‌که ملاحظه می‌شود رفتار شایسته با لغزش‌های یک نوجوان او را تا آخر عمر شیفته حاج آخوند تربتی کرده و شخصیت او را از همان نوجوانی تحت‌تأثیر شدید قرار داده است.

رفتار اصلاح‌گرایانه آن مرد الهی برگرفته از آموزه‌های تربیتی اهل بیت(ع) است. آنجا که علی(ع) از فرزندش امام حسن(ع) پرسید: فرزندم، راه جلوگیری از لغزش‌ها چگونه است؟ امام مجتبی(ع) پاسخ داد: بدی‌ها را با نیکی از میان برداشتن.(۲) با توجه به این حدیث در مقابله با لغزش‌ها و رفتارهای ناپسند کودکان باید از روش‌های صحیح استفاده کرد. مثلاً پرخاشگری یک کودک را نمی‌توان با خشونت اصلاح کرد یا مثلاً رفتارهای نادرست همانند: فرار از مسئولیت، دزدی، تقلب، ناسازگاری با دیگران، حسادت، دروغگویی، کم‌رویی، خیال‌بافی، ترس، اضطراب و... ده‌ها رفتار نامطلوب دیگر ممکن است در کودکان و نوجوانان مشاهده شود که می‌توان راه‌های نتیجه بخشی را با توجه به آموزه‌های اهل بیت(ع) در پیش گرفت.

بنابراین اگر ما از شیوه‌های صحیح تربیتی در موارد خطاها و لغزش‌های کودکان و نوجوانان بهره‌گیریم می‌توانیم آن‌گونه که می‌خواهیم فرزندانمان را تربیت کنیم

شیوه‌های اصلاح رفتار
در پرتو سیره و سخن اهل بیت(ع)

۱- توجه به ریشه‌ها و عوامل ناهنجاری

والدین وظیفه‌شناس به خوبی آگاهند که هر معلولی علتی دارد و هر رفتار ناهنجاری که از فرزندان سر می‌زند، دارای ریشه و زمینه خاصی است. اگر بخواهیم معلولی را تغییر دهیم و رفتاری را عوض کنیم باید به علل و زمینه‌های آن توجّه کرد و ریشه‌ها و زمینه‌ها را از بین برد. مثلاً در ریشه‌های عصبانیت افراد، باید به پیش زمینه‌ها توجه کرد. گرسنگی، تشنگی، نگرانی، ترس و ده‌ها عامل دیگر ممکن است در بدخلقی و تندخویی تأثیر داشته باشد. ابن شهر آشوب می‌نویسد: روزی مردی شامی به مدینه آمد و هنگامی که با امام حسن مجتبی(ع) برخورد کرد بلافاصله شروع به لعن و نفرین به امام کرده و سخنان ناشایستی را به امام نثار کرد. حضرت در مقابل سخنان درشت وی سکوت کرد؛ هنگامی که آن مرد عقده دلش را خالی کرد و خاموش شد امام با لبخندی ملیح و با لحنی آرام فرمود: ای مرد! گمان می‌کنم که در این شهر غریب باشی و شاید هم مرا به اشتباه گرفته‌ای؟ حال اگر از ما رضایت بطلبی از تو راضی می‌شویم، اگر از ما چیزی بخواهی به تو می‌بخشیم، اگر راه گم کرده‌ای راهنمایی‌ات می‌کنیم، اگر گرسنه‌ای تو را سیر می‌کنیم، اگر لباس نداری تو را می‌پوشانیم، اگر نیازمندی تو را غنی می‌سازیم، اگر از جائی رانده شده و یا فراری هستی تو را پناه می‌دهیم، اگر خواسته‌ای داری برمی‌آوریم، اگر توشه سفرت را پیش ما آوری و مهمان ما باشی برای تو بهتر است و تا هنگام رفتن از تو پذیرایی می‌کنیم، چون که خانه ما وسیع و امکانات مهمان‌نوازی ما فراهم است. آن مرد وقتی این برخورد کریمانه را از امام مشاهده کرد آثار شرم‌و حیا بر صورتش ظاهر شد و گفت: تا این لحظه شما و پدرتان منفورترین خلق خدا نزد من بودید و اکنون شما را محبوب‌ترین فرد روی زمین می‌دانم.(۳)

امام حسن(ع) در این ماجرا با دید تربیتی و روانشناختی به بررسی ابعاد قضیه می‌پردازد و علت عصیان و نارضایتی و تمرد آن فرد را جست‌وجو می‌کند، چرا که ممکن است: گرسنگی، تشنگی، برهنگی و نداشتن پوشاک مناسب، نیازمندی و فقر، خستگی، نداشتن امنیت، سردرگمی و از همه مهم‌تر احساس ازدست‌رفتن شخصیت و نابودی عزّت و هویت افراد و... علت پرخاشگری و تمرد و فریادهای مخالف باشد.

هنگامی که مهمان به خانه می‌آید کودک بیشتر از اوقات دیگر شلوغ می‌کند و حرکات ناهنجار و ناشایست انجام می‌دهد، اگر کمی دقت شود علت واقعی این رفتار به شخصیت کودک برمی‌گردد. او وقتی احساس می‌کند پدر و مادر در آن لحظات تمام افکارشان به مهمان و پذیرائی از او صرف می‌شود و شخصیت و عزت نفس خود را در معرض خطر احساس می کند برای همین می‌خواهد کمبود شخصیتش را جبران کند و توجه دیگران را به خود معطوف دارد. حضرت امام مجتبی(ع) در گفتاری حکیمانه با اشاره به ریشه لغزش‌ها و رفتارهای غلط افراد می‌فرماید: هلاک النّاس فی ثلاث: الکبر و الحرص و الحسد؛ ریشه انحراف و گناهان که مردم را به نابودی می‌کشاند سه چیز است: غرور و خودخواهی، حرص و طمع، حسد.(۴)

برای آگاهی بیشتر والدین و مربیان، برخی از علل و ریشه‌های لغزش در کودکان و نوجوانان را یادآور می‌شویم:

ناآگاهی از زشتی عمل، ناکامی، فقدان عزت نفس و احساس حقارت، ترس از مجازات بزرگ‌ترها، عدم اعتماد به نفس، محرومیت‌های اخلاقی و اجتماعی، اعمال روش‌های نامطلوب و خشونت‌آمیز، بی‌توجهی والدین به مسئله تربیت اخلاقی و دینی، بی‌تفاوت بودن والدین در احکام دین و رعایت نکردن حلال و حرام، تأثیر عوامل فرهنگی بیگانگان، آزادی‌های نامحدود توسط والدین و مسئولین فرهنگی و تربیتی، عدم نظارت صحیح والدین به رفت‌وآمدهای خانوادگی، کنترل نکردن دوستان و روابط فرزندان، بدآموزی‌های وسائل ارتباط جمعی، بها ندادن به افراد تربیت‌یافته و درستکار، نقل کردن لغزش‌ها و انحرافات دیگر در حضور کودک (بدون اینکه توضیحی داده و عواقب خلافکاری افراد خاطی را به جمع حاضر گوشزد کنیم)، عادی جلوه‌دادن خلاف‌ها و ناهنجاری‌های جامعه و... می‌تواند زمینه ناهنجاری‌ها و رفتارهای نامطلوب را در کودکان و نوجوانان فراهم آورد.

امیر مؤمنان علی(ع) فرمود: «من کرمت علیه نفسه لم یهینها بالمعصیة؛(۵) آن‌کس که بزرگی و کرامت نفس خود را باور داشته باشد، آن‌را با گناه و خطا پست و ذلیل نخواهد کرد.»

این سخن مولای متقیان اشاره به ریشه خطا در نداشتن عزت نفس و روحیه خودباوری در فرد دارد.

۲- یادآوری غیرمستقیم

برای اصلاح رفتار نادرست می‌توان آن را به طور غیرمستقیم مطرح کرد در این حالت علاوه‌بر اینکه احترام و شخصیت فرد خطاکار محفوظ مانده است اشتباه او هم به وی تفهیم می‌شود. این شیوه اصلاحی برگرفته از روش تربیتی قرآن و اهل‌بیت(ع) است.

امام صادق(ع) فرمود: بسیاری از خطابات قرآن به عنوان سرزنش پیامبر اکرم(ص) نازل شده است ولی مقصود دیگران بوده‌اند.(۶)

خداوند متعال به پیامبر(ص) می‌فرماید: اگر پدر یا مادرت نزد تو به پیری رسیدند با آنان درشتی مکن! (۷) این در حالی است که رسول خدا(ص) پدر و مادرش را در دوران طفولیت از دست داده بود، یا به حضرت عیسی(ع) می‌فرماید: آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را به عنوان معبود غیر از خداوند انتخاب کنند!(۸) در این‌گونه موارد مقصود خداوند متعال دیگران هستند و پروردگار عالمیان به‌طور غیرمستقیم آنان را مورد خطاب قرار داده است. در سیره اهل بیت(ع) نیز شیوه یادآوری غیرمستقیم فراوان دیده می‌شود.

داستان آموزش وضو توسط حسنین(ع) به یک پیرمرد از طریق یادآوری غیرمستقیم صورت گرفت. آنان بدون اینکه به او جسارتی بکنند یا در مورد اشتباه وی سخنی به میان آورند خود وضوی کامل گرفته و او را به داوری طلبیدند و آن مرد به خطایش واقف شده و با جان و دل پذیرفت.(۹)

۳- تذکر شفقت‌آمیز

می‌توان خطاهای نوجوانان را در محیطی کاملاً دوستانه و به دور از خشونت و عصبانیت به آنان تذکر داد. قرآن کریم برخی از نصایح و مواعظ سودمند را از زبان دیگران بیان کرده است، از جمله مواعظ پر بار جناب لقمان حکیم به فرزندش را نقل می‌کند.(۱۰)

امّا رعایت نکاتی تربیتی در امر نصیحت و موعظه ضرورت دارد:

الف) تا حد ممکن مخفیانه و در خلوت باشد. علی(ع) می‌فرماید: هر کس برادر دینی خود را مخفیانه موعظه کند او را آراسته ولی اگر آشکارا و در میان جمع عیوبش را متذکر شود به شخصیت وی اهانت کرده است.(۱۱)

ب) همراه با محبت و احسان باشد و همچنین فهرست عیب‌های دیگری را پشت سرهم به فرد خطاکار نشمارد. سیره امام صادق(ع) در این زمینه راهنمای بسیار خوبی برای ماست. آن حضرت هنگامی که متوجه شد شقرانی(فردی گنه‌کار و شراب‌خوار) نمی‌تواند از دربار منصور دوانیقی سهم خود را دریافت کند به آنجا رفت و سهم شقرانی را گرفت و به وی تسلیم کرد. آن حضرت بعد از پرداخت وجه با لحنی ملاطفت‌آمیز و مهربان، خطای وی را به او گوشزد کرده و فرمود: کار خوب از هر کسی خوب است ولی از تو به واسطه انتسابی که به ما اهل بیت داری خوب‌تر و زیباتر است و کار بد از هر کسی بد است، ولی از تو به خاطر همین انتساب، زشت‌تر و قبیح تر است. امام صادق(ع) این جمله را فرمود و گذشت. شقرانی با شنیدن این جمله دانست که امام از سرّ او و گناهش آگاه است و از اینکه امام با این حال به یاری او شتافته و ابراز محبت کرده و با رفتاری کاملاً منطقی و پسندیده وی را به گناهش متوجه ساخته، شدیداً نزد وجدان خود شرمسار شد و خود را ملامت کرد.(۱۲)

> **اگر ما به نوجوان خطاکار دلائل قانع‌کننده‌ای ارائه کنیم و او را از عواقب عمل زشت خود آگاه سازیم معمولاً از ما می‌پذیرد. امّا گاهی والدین بدون اینکه متوجه باشند و علت ناپسندی و غلط‌بودن رفتار نوجوان را به او توضیح دهند، با تحکّم و استبداد می‌خواهند که او این عمل را ترک کند و بدون آگاهی دادن، او را به تغییر رفتار وادار می‌سازند که معمولاً آثار خوبی هم ندارد و هیچ‌گونه اصلاح و تغییری در رفتار متربی دیده نمی‌شود و گاهی خطای نوجوان شدت می‌گیرد.**

ج)کوتاه، مختصر و ملایم: در نصیحت‌دادن و تذکر عیوب نوجوانان نباید طولانی سخن گفت و شیرینی و حلاوت نصیحت را از بین برد. امام کاظم(ع) فرمود: هر کس با سخنان زائد، شیرینی کلام خود را محو کند به نابودی عقلش اقدام کرده است.(۱۳)

> **خداوند متعال در آیات بسیاری برای بیداری و آگاهی دادن به مردم غفلت زده، از عقل و اندیشه آنان بهره می‌گیرد. تفکر، تدبّر، تعقّل از جمله اصطلاحات قرآنی است که بارها در این کتاب آسمانی بعد از گوشزد کردن خطای گنهکاران به آنان یادآوری می‌شود.**

۴- تقویت نیروی ایمان

تقویت نیروی ایمان و باورهای مذهبی کودکان تأثیر بسزائی در جلوگیری از خطاها و لغزش‌های آنان دارد. این سخن حقیقتی انکارناپذیر است و در میان خانواده‌ها از دیرباز امری مسلّم و پذیرفته‌شده می‌باشد. تاریخ و تجربه نشان داده است افرادی که از اعتقادات عمیق مذهبی برخوردار بوده‌اند و به اصول و ارزش‌های آن پایبندی خود را نشان داده‌اند معمولاً افرادی صالح و به دور از خطاها و مفاسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی هستند. آنان که به آیات قرآن، ایمان عمیق دارند و خود را در حضور خداوند عالمیان حس می‌کنند و به پیام‌های آسمانی آن گوش دل می‌سپارند کمتر در معرض آلودگی‌ها و اشتباهات هستند. به همین جهت امام صادق(ع) فرمود: «بادروا احداثکم بالحدیث قبل ان یسبقکم الیهم‌المرجئه؛(۱۴) نوجوانان خود را با احادیث و معارف ما آشنا کنید قبل از اینکه گروه‌های منحرف بر شما پیشی گیرند (و آنان را به انحراف بکشانند.) امام مجتبی(ع) نیز در مورد تأثیر آیات قرآن فرمود: در این قرآن چراغ‌های هدایت و شفای سینه‌هاست، برای هر عارف صاحب بصیرتی شایسته است که در پرتو نور آن به قلب خویش جلا دهد و هر نکته‌سنجی را رواست که دل خویش را به توسط قرآن مهار کند و تفکر در آن حیات بخش قلب‌هاست و کسانی که به دنبال آن می‌روند، مانند کسانی هستند که در تاریکی‌ها به سراغ نور می‌روند.(۱۵)

اساساً ایمان مذهبی و علاقه به اعتقادات دینی در فطرت انسان‌ها نهفته است و والدین و مربیان می‌توانند بـا پرورش آن و جهت‌دادن به فطریات نوجوانان در شکوفائی این حس درونی، آنان را یاری کرده و در مسیر تربیت سالم قرار دهند.

یکی از بهترین راه‌های تقویت ایمان مذهبی، ایجاد جوی مذهبی و فضائی جذّاب در محیط زندگی و کودک و نوجوان است. امام مجتبی(ع) هنگامی که به نماز برمی‌خاست بهترین لباس‌های خود را می‌پوشید، پرسیدند: ای پسر رسول خدا! چرا در نماز بهترین و تمیزترین لباس خود را می‌پوشید؟ حضرت پاسخ داد: خداوند زیباست و زیبائی را دوست دارد و به همین جهت، من لباس زیبا برای راز و نیاز با پروردگارم می‌پوشم و پروردگارم دستور داده است که: زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد برگیرید.(۱۶) دوست دارم زیباترین لباسم را بپوشم.(۱۷) این رفتار تربیتی امام حسن(ع) نشان می‌دهد که باید فضای عبادت جذاب و دوست‌داشتنی بوده و برای کودکان و نوجوانان که ناظر آن هستند دلنشین و خوشایند باشد. آن حضرت به مربیان می‌آموزد که هنگام نیایش مذهبی باید آراسته بود و با چهره‌ای گشاده با فرزندان برخورد شود تا آنان خاطرات خوشی از این لحظات معنوی داشته باشند.

> **تاریخ و تجربه نشان داده است افرادی که از اعتقادات عمیق مذهبی برخوردار بوده‌اند و به اصول و ارزش‌های آن پایبندی خود را نشان داده‌اند معمولاً افرادی صالح و به دور از خطاها و مفاسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی هستند. آنان که به آیات قرآن، ایمان عمیق دارند و خود را در حضور خداوند عالمیان حس می‌کنند و به پیام‌های آسمانی آن گوش دل می‌سپارند کمتر در معرض آلودگی‌ها و اشتباهات هستند.**

۵- تأمین نیازهای مادی و معنوی

فرزندان نسبت به سنّ خویش نیازهائی دارند. گاهی این نیازها مادی و محسوسند که والدین با درک آنها در حدّ توان در رفع آن نیازها می‌کوشند. امّا مهم‌تر از آن، نیازهای معنوی فرزندان از قبیل محبت، تکریم، باورکردن شخصیت و استقلال آنان و توجه به خواسته‌های درونی می‌باشد. در صورت تأمین نشدن این خواسته‌ها، در وجود فرزندان خلأ و کمبود به وجود می‌آید. هر انسانی هم که تمام یا بخشی از شاکله وجودی‌اش خالی بماند، به همان اندازه غیرطبیعی می‌شود و ممکن است به صورت غیرعقلائی عمل کند و دچار لغزش و خطا شود. پیامبر اکرم(ص) برخی از نیازهای فرزندان را این‌گونه بیان کرد: آموزش کتاب خدا، یاد دادن تیراندازی و شنا(ورزش و تفریحات سالم) فراهم آوردن مال پاکیزه و حلال.(۱۸)

برای آنان سرچشمه لغزش‌ها، ملالت‌ها و افسردگی‌ها خلأ روحی است، روان کودک را باید از خلأ نفرت، ملامت، افسردگی، ناامیدی و نگرانی نسبت به خود و زندگی نجات داد. طوری که آدمی مجبور نباشد از خود و دیگران فرار کند. شایسته است روح و روان کودک را از اندیشه‌های سالم و جنبه‌های مثبت زندگی، از آگاهی‌های مورد نیاز فرد برای ادامه حیات پر کرد. در جنگ جمل، علی(ع) سلاح خود را به محمد حنیفه داد که در خط مقدم جنگ شتر عایشه را که در قلب لشکر دشمن قرار داشت کشته و کانون فتنه را خاموش کند، امّا مدافعان و تیراندازان جبهه مخالف هیچ‌گونه اجازه نفوذ برای محمد حنیفه را ندادند و او ناگزیر به مراجعه شد. در این هنگام امام حسن(ع) با اجازه پدر به قلب دشمن تاخت و بعد از خاموش‌کردن کانون فتنه فاتحانه بازگشت. محمد در این موقع از اینکه نتوانسته بود دستور پدر را اجرا کند احساس شرمندگی کرد. علی(ع) که این خلأ روحی را در او مشاهده کرد محمد را مورد دلجویی قرار داد و فرمود: پسرم! ناراحت نباش اگر حسن فتح کرد او پسر رسول خدا (ص) است ولی تو فقط پسر من هستی!(۱۹) یعنی او از دو منبع شجاعت الهام گرفته امّا تو فقط از یک منبع.

۶- شیوه منطق و استدلال

ممکن است برای اصلاح رفتار و تغییر روش‌های ناپسند، به دلیل و برهان عقلانی متوسل شویم. اگر ما به نوجوان خطاکار دلائل قانع‌کننده‌ای ارائه کنیم و او را از عواقب عمل زشت خود آگاه سازیم معمولاً از ما می‌پذیرد. امّا گاهی والدین بدون اینکه متوجه باشند و علت ناپسندی و غلط‌بودن رفتار نوجوان را به او توضیح دهند، با تحکّم و استبداد می‌خواهند که او این عمل را ترک کند و بدون آگاهی دادن، او را به تغییر رفتار وادار می‌سازند که معمولاً آثار خوبی هم ندارد و هیچ‌گونه اصلاح و تغییری در رفتار متربی دیده نمی‌شود و گاهی خطای نوجوان شدت می‌گیرد.

علّامه بزرگوار شیخ جعفر کاشف الغطاء در زمینه اصلاح رفتار فرزند خویش از همین شیوه بهره می‌گرفت. او زمانی که احساس کرد پسر نوجوانش به سحرخیزی عادت ندارد و از خواب شیرین صبحگاهی دیر بیدار می‌شود در یکی از روزها قبل از اذان صبح کنار بستر پسرش آمد و او را بیدار کرده و گفت: پسرم برخیز! تا به حرم مولای متقیان علی(ع) مشرف شویم. نوجوان چشمان خواب‌آلوده‌اش را مالیده و گفت: شما بروید و من هم می‌آیم. پدر گفت: نه من ایستاده‌ام تا با هم برویم. نوجوان برخاست، وضو گرفت و به اتفاق پدر به سوی حرم مطهر روانه شدند. جلوی در حرم فقیری نشسته و دستش را به سوی مردم دراز کرده بود. پدر از پسر پرسید: فرزندم! این مرد برای چه در این‌جا نشسته است؟ گفت: برای گدائی و دریافت کمک از مردم. پرسید: فکر می‌کنی چقدر از این طریق به‌دست آورد؟ گفت: شاید چند درهمی عایدش شود. پرسید: آیا مطمئناً این مبلغ را به دست خواهد آورد؟ گفت: به طور قطع و مسلّم نمی‌توان پیش‌بینی کرد، شاید مبلغی عایدش بشود و شاید هم دست خالی برگردد. پدر که زمینه را برای گفتن مطلب آماده دید، گفت: پسرم! ببین این مرد فقیر، برای به‌دست‌آوردن یک مقدار منافع دنیائی احتمالی که یقین به آن هم ندارد در این هنگام شب این‌جا آمده و دستش را دراز کرده است، در حالی که ما واقعاً به ثواب‌هایی که خداوند متعال برای سحرخیزی و عبادات تعیین کرده است یقین کامل داریم و گفته ائمه اطهار(ع) را به طور حتم باور کرده‌ایم پس چرا در انجام آن سستی نشان دهیم!(۲۰)

از منظر فرهنگ وحیانی اسلام نیز بهره‌گرفتن از منطق و استدلال عقلانی امری مطلوب است. خداوند متعال در آیات بسیاری برای بیداری و آگاهی دادن به مردم غفلت زده، از عقل و اندیشه آنان بهره می‌گیرد. تفکر، تدبّر، تعقّل از جمله اصطلاحات قرآنی است که بارها در این کتاب آسمانی بعد از گوشزد کردن خطای گنهکاران به آنان یادآوری می‌شود. خداوند در سوره ملک از زبان گنهکارانی که به جهنم و هلاکت کشیده شده‌اند می‌فرماید: «و قالوا لو کنّا نسمع او نعقل ما کنّا فی اصحاب‌السّعیر؛(۲۱) می‌گویند: اگر ما سخن حق را می‌شنیدیم و یا اینکه می‌اندیشیدیم در میان اهل جهنم نبودیم». بنابراین متوجه‌کردن نوجوان خطاکار به تفکر و اندیشه در مورد عواقب اشتباه، می‌تواند در تغییر رفتار او تأثیر داشته باشد.

۷- تنبیه متناسب

تنبیه به معنای آگاه کردن است و هدف مربی از آن در برنامه‌های تربیتی، آگاه کردن فرد بر خطای خویشتن بوده و راه اصلاح آن را در فراروی وی قرار دادن است. در مواردی که پند و موعظه و آگاهی دادن به ضررهای لغزش‌ها و سایر شیوه‌ها بی‌تأثیر باشد، می‌توان به عنوان آخرین شیوه برای تغییر رفتار از تنبیه مناسب با رعایت مراتب آن استفاده کرد.

مرحله اول تنبیه، توبیخ و تهدید است، البته تهدید باید طوری باشد که کودک و نوجوان آن را جدّی تلقی کند و مربی قصد عملی‌کردن آن را داشته باشد وگرنه نباید از آن سخنی به میان آید. اگر تهدید و توبیخ تأثیری نداشت با بی‌اعتنائی و قهر و غیره از عوامل بازدارنده می‌توان او را تنبیه کرد. مردی به حضرت موسی بن جعفر(ع) از لغزش و خطای فرزندش شکایت کرد و از آن حضرت راهنمایی خواست. امام به وی فرمود: فرزندت را نزن و برای تنبیه و تأدیب وی از او قهر کن ولی مواظب باش قهر تو طولانی نشود.(۲۲)

تنبیه گاهی به عنوان عامل بازدارنده و در مواردی هم اگر به‌جا صورت پذیرد اثرات سازنده در برخواهد داشت، در این صورت تنبیه علاوه‌بر اصلاح فرد خطاکار نسبت به دیگران جنبه عبرت‌آموزی نیز خواهد داشت. در صورتی که تنبیهات غیر بدنی مؤثر واقع نشد لازم می‌شود کودک یا نوجوان خطاکار تنبیه بدنی شود.

امام صادق(ع) در این زمینه فرمود: در مورد کودکان خطاکار حدّ شرعی جاری نمی‌شود امّا باید به نحو صحیح او را تأدیب کرد.(۲۳)

۸- دعا برای اصلاح فرزندان

در آخر این نوشتار یادآور می‌شویم که به همراه اعمال شیوه‌های صحیح تربیتی و اصلاحی از نقش ارزنده دعا نباید غفلت ورزید چراکه درخواست اصلاح و راهنمائی برای کودکان و نوجوان از درگاه حق تعالی آثار و برکات فراوانی در زندگی آنان دارد. امام سجاد(ع) در دعای ۲۵ صحیفه سجادیه برای تربیت صحیح و اصلاح رفتار فرزندان خویش این‌گونه دعا می‌کند: اللّهم و منّ علیّ ببقاء ولدی و باصلاحهم لی و بامتاعی بهم؛ خدایا با بقای فرزندانم و اصلاح آنان و برخورداری من از آنان بر من منت بگذار. و اجعلهم ابراراً اتقیاءً بصراء سامعین مطیعین لـک ولاولیائک محبّین مناصحین ولجمیع اعدائک معاندین و مبغضین، آمین؛ آنان را از نیکوکاران، پارسایان، تیزبینان، شنوای سخن حق و اطاعت کنندگان از خودت قرار ده و برای اولیای خودت عاشقان خیرخواه و از برای تمام دشمنانت آنان راستیزه جو و کینه ورز گردان، خدایا دعایم را بپذیر.

پی‌نوشت‌ها:

۱. فضیلت‌های فراموش شده، ص ۳۳. ۲. تحف العقول، ص ۲۲۵. ۳. مناقب، ج ۳، ص ۱۹. ۴. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۱. ۵. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۳۹. ۶. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳. ۷. اسراء، آیه ۲۳. ۸. مائده، آیه ۱۱۶. ۹. بحارالانوار، ج ۲۳ ص ۳۱۹. ۱۰. لقمان، آیات ۱۳ تا ۱۹. ۱۱. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۴. ۱۲. همان، ج ۴۷، ص ۳۴۹. ۱۳. کافی، ج ۱، ص ۱۷. ۱۴. التهذیب، ج ۸، ص ۱۱۱. ۱۵. کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۷۳. ۱۶. اعراف، آیه ۳۱. ۱۷. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۴۵۵. ۱۸. کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۴۴۴. ۱۹. مناقب، ج ۲، ص ۲۱. ۲۰. تعالیم آسمانی اسلام، ص ۱۲۸. ۲۱. ملک، آیه ۱۰. ۲۲. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴. ۲۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۴۶.

از: پاسدار اسلام، شماره ۲۸۱